



نظریه «دین و قدرت» و ایمان کورمندانه

احسان ابراهیمی

سرویس رصد و مطبوعات ۳ بهمن ۱۳۹۹ - ۱۹:۱۷

یکی از نزدیک‌ترین انواع و اصناف ایمان‌ورزی به روایت سروش دباغ به ایمان کورمندانه، آن‌چنان‌که در نظریه دین و قدرت عبدالکریم سروش تبیین شدنی است، ایمان شورمندانه است.

۱- سروش دباغ در مقاله «پاکی آواز آب‌ها: تأملی در اصناف ایمان‌ورزی» چهار سنخ ایمان‌ورزی را از هم تفکیک می‌کند:

«برای به دست دادن تلقی روشن و جامع‌الاطرافی از مقوله ایمان و ایضاح حدود و ثغور آن، در پی دکارت که می‌گفت تقسیم کن تا پیروز شوی، خوب است مواجهه‌های گوناگون با ایمان را از یکدیگر تفکیک کرده، مؤلفه‌های هر یک را برشماریم. در ادامه می‌کوشم چهار سنخ مواجهه با مقوله ایمان را که به ترتیب آنها را «ایمان‌ورزی معرفت‌اندیشانه»، «ایمان‌ورزی شورمندانه»، «ایمان‌ورزی از سر طمأنینه» و «ایمان‌ورزی آرزومندانه» می‌نامم، از یکدیگر تفکیک کرده، مقومات هر یک را برشمارم. این تقسیم‌بندی به حصر منطقی صورت نگرفته و صبغه استقرائی دارد؛ لازمه این سخن این است که علی‌الاصول می‌توان از مواجهه‌های دیگری با مقوله ایمان نیز سراغ گرفت و مقومات آنها را برشمرد. درعین حال، چنانکه درمی‌یابم، مواجهه‌های ایمانی چهارگانه فوق از اهمیت معرفتی و آگزیستانسیلی بیشتری برخوردارند. از این‌رو در این نوشتار به آن‌ها می‌پردازم.

مدعای وی از این‌قرار است که ایمان به‌نوعی مشترک لفظ است و سویه‌ها و رویه‌های آن، منطقی‌اً در فرد مؤمن و باایمان، متفاوت و دگرگون است. یا به دیگر

سخن، جنس ایمان‌ورزی افراد بنا به دلایل وجودی و ... رنگ و بو و ظهور و بروز متفاوتی دارد.

اما همان‌طور که وی به‌درستی اشاره کرده است این اصناف و انواع ایمان‌ورزی، حصر منطقی نیست و سراغ گرفتن از انواع و اقسام دیگر، منطقاً شدنی است. تلاش این نوشته کوتاه، تبیین یکی دیگر از انواع و انحای ایمان‌ورزی است که آن را «ایمان کورکورانه» نام نهاده‌ام.

۲. پس از دو سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش در حلقه «دیدگاه نو»، جلسه نقد و بررسی‌ای برای این دیدگاه در همان حلقه برگزار شد با سه سخنران:

عبدالعلی بازرگان، حسن یوسفی اشکوری و یاسر میردامادی. هر سه سخنران و ناقد بنا به نوع مطالعاتشان سه نقد درون‌متنی، تاریخی، فلسفی/نظری بر نظریه «دین و قدرت» وارد کردند و در پایان صاحب نظریه به نقدها و رد آنها پرداخت. یکی از نقدهایی که یاسر میردامادی به این نظریه وارد ساخته است بحران «حجت مسلمانی» است. نقد میردامادی عبارت است از این نکته اگر این تصویر «عارف مسلح» یا «پیامبر اقتدارگرا» درست باشد، چه دلیلی برای مسلمان شدن و مسلمان ماندن و باور به پیامبر اسلام باقی می‌ماند؟ (نقل به مضمون) (آن گفتار در صورت یک نوشتار منتشر شده است)

پاسخ صریح سروش به این نقد در گفت‌وگوی مذکور چنین است:

«ببینید من آن دفعه هم عرض کردم. گفتیم که ما اینجا در مقام این نیستیم که به کسی یک اسلام دل‌با معرفی کنیم. یک عده‌ای اگر شیفته شخصیت پیامبر می‌شوند، آن چنانکه در زمان خود ایشان این شیفتگی حاصل شد، آمدند و شیفته او شدند، جانشان را هم در پای او دادند. اگر شیفته می‌شوند که می‌شوند، اگر هم نمی‌شوند خیلی به‌زور نمی‌توان. و لا اکراه فی الدین دقیقاً معنایش همین است. یعنی به‌زور نمی‌توان ایمان را وارد قلب کسی کرد اما اسلام را می‌توان با اکراه اجرا کرد و اعمال کرد. این هم خلاصه عرض بنده.» (۲: ۲۱: ۰۰)

در این خوانش عبدالکریم سروش از ایمان و ایمان‌ورزی، نه معرفت‌اندیشی مهم است نه شورمندی، نه طمأنینه و آرزومندی. یک ایمان کورکورانه و بی‌نسبت و منسلخ از عملکرد و کارنامه پیامبر در جان و ضمیر فرد شکل می‌گیرد و در این شکل‌گیری غیرتشکیکی، نوعی دل‌بستگی و شیفتگی تام، حضور جدی دارد. به دیگر سخن، نوع مواجهه فرد مؤمن با متعلق ایمان یعنی پیامبر اسلام، از نوع شیفتگی ایست که هیچ نسبتی با واقعیات عینی ندارد.

آغاز رسالت پیامبری محمد با پافشاری بر امانت‌داری او بوده، (استدلالی اخلاقی در تأیید امانت‌داری او) و دعوت او به آیین جدید، مبتنی بر استدلال بوده اما در خوانش عبدالکریم سروش از ایمان آوردن نخستین مخاطبان پیامبر، استدلال او و همچنین آنچه وی در مقام پیامبری یا بعدها در مقام حکومت‌داری انجام داده است، دخالتی ندارد و از این‌رو با «ایمان‌ورزی معرفت‌اندیشانه» به روایت سروش دباغ هیچ بر سر مهر نیست. همچنین این ایمان کورمندانه، با ایمان آرزومندانه و از سر طمأنینه نیز نسبتی ندارد. چه در دیگر اصناف دین‌ورزی، سطحی از معرفت دیده می‌شود. همچنین این نوع ایمان‌ورزی، با شهودهای اخلاقی متعارف نیز، نسبتی ندارد، چه با وجود ارائه تصویری اقتدارگرا از پیامبر، باز هم کسی که شیفته او شده، فراتر از این امور، ایمان او را در دل دارد.

ایمان شورمندانه و ایمان کورمندانه

یکی از نزدیک‌ترین انواع و اصناف ایمان‌ورزی به روایت سروش دباغ به ایمان کورمندانه، آن‌چنان‌که در نظریه دین و قدرت عبدالکریم سروش تبیین شدنی است، ایمان شورمندانه است. بنا به خوانش دباغ، ایمان شورمندانه «... مشمول کمی و زیادی واقع می‌شود؛ مطابق با این تلقی، مؤمنان کسانی هستند که با شنیدن ذکر خداوند دل‌هایشان خاشع می‌شود و در برابر مهابت هستی سر تعظیم فرود می‌آورند». اما در ایمان کورمندانه، شخص مؤمن در میزان شیفتگی‌اش به متعلق ایمان اساساً کاهش و فزونی نمی‌یابد و این ایمانی ثابت از نوع تبعیت و فرمانبرداری است. ضمن اینکه در ایمان شورمندانه، تحولات وجودی و اگر زیستن‌سبیل فرد مؤمن، مدخلیت و اهمیت دارد اما در ایمان کورمندانه، فرد مؤمن اساساً در متعلق ایمان، مستحیل می‌شود و فردیتی باقی نمی‌ماند. چه این بقای فردیت، در داوری و قضاوت اخلاقی بروز و ظهور پیدا می‌کند، ولی در ایمان کورمندانه، جایی برای داوری اخلاقی باقی نمی‌ماند. فرد باورمند و مؤمن، در روندی غیراختیاری، شیفته می‌شود و بی‌اختیار از پی این شیفتگی‌اش روان می‌شود.

وانگهی، ایمان شورمندانه به روایت سروش دباغ، هیچ نسبتی با ابژه و متعلق ایمان ندارد. یعنی سطح درونی و ذهنی ایمان و زیروزیبری که ایمان در دارنده آن ایجاد می‌کند، موردعنایت و دقت است. اما در ایمان کورمندانه، فرد شیفته، نسبت به شخص و ابژه ایمان، درک و آگاهی دارد باین‌همه، در روندی یک‌سویه، شیفتگی در او تمکن می‌یابد.

در ادبیات عاشقانه فارسی، عشقی که نظامی برای مجنون تصویر می‌کند، از همین جنس ایمان کورمندانه است:

...

لیکن چه کنم من سیه روی

کافتاده به خود نیم در این کوی

زین ره که نه برقرار خویشم

دانی نه به اختیار خویشم

من بسته و بندم آهنین است

تدبیر چه سود قسمت این است

این بند به خود گشاد نتوان

و این بار زدود نهاد نتوان

تنها نه منم ستم رسیده

کودیده که صد چو من ندیده

سایه نه به خود فتاد در چاه

بر اوج به خویشتن نشد ماه

از پیکر پیل تا پرمور

کس نیست که نیست بر وی این زور

سنگ از دل تنگ من بکاهد

دل تنگی خویشتن که خواهد

بخت بد من مرا بجوید

بدبختی را زخود که شوید

گر دست رسی بدی در این راه

من بودمی آفتاب یا ماه

چون کار به اختیار ما نیست

به کردن کار کار ما نیست.

ایمان کورمندانه مؤمنان به پیامبر اسلام، بنا به روایت عبدالکریم سروش در نظریه اخیر، امری است غیراختیاری که نه در ایجادش و نه در تداومش، شخص مؤمن مدخلیت و دخالتی ندارد.

نتیجه

ایمان‌ورزی مانند دیگر امور وجودی، از نوعی تنوع و تشکیک برخوردار است. به روایت سروش دباغ می‌توان علی‌الاصول از اصناف ایمان‌ورزی سراغ گرفت. نظریه «دین و قدرت» که اخیراً توسط عبدالکریم سروش تبیین شده است، الزامات و مختصات جدیدی برای ایمان‌ورزی به دست داده است. در این نوشتار کوتاه تلاش شد این ویژگی‌های ایمان‌ورزی تحلیل شود و ذیل عنوان/مقوله «ایمان کورمندانه» قرار گیرد و تفاوت‌هایش با دیگر اصناف ایمان‌ورزی روشن شود. ویژگی‌های این ایمان عبارتند از:

معرفت‌گریزی

بدون کم‌وزیاد شدن

استحاله فردیت فرد مؤمن در ابژه ایمان

بی‌نسبیتی شیفتگی با کارنامه و عملکرد ابژه ایمان

بی‌نیازی از داوری اخلاقی نسبت به متعلق ایمان

بی‌اختیاری فرد مؤمن در ایجاد و تداوم ایمان

...و

- احسان ابراهیمی
- دین و قدرت
- روشنفکری
- سروش دباغ
- عبدالکریم سروش

دنبال کردن

اولین نفری باشید که نظری می‌گذارد

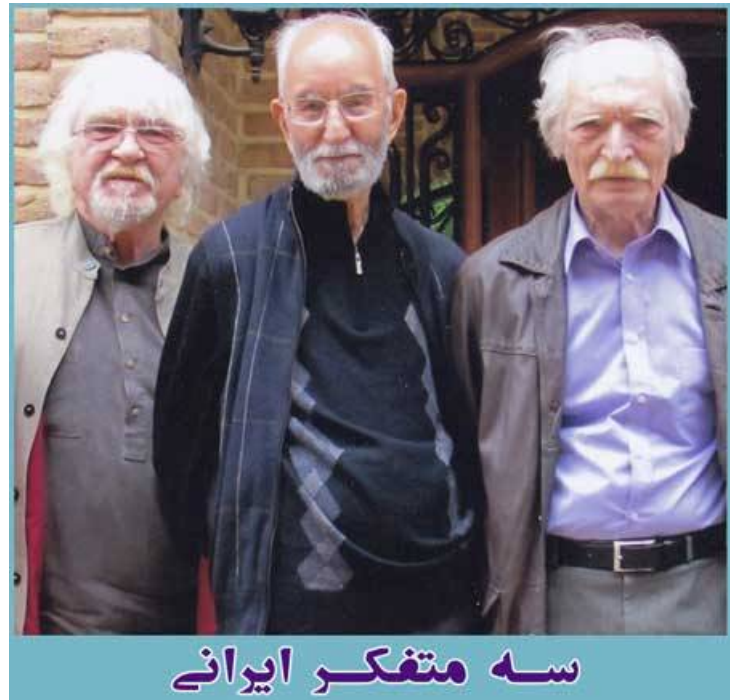
ارسال

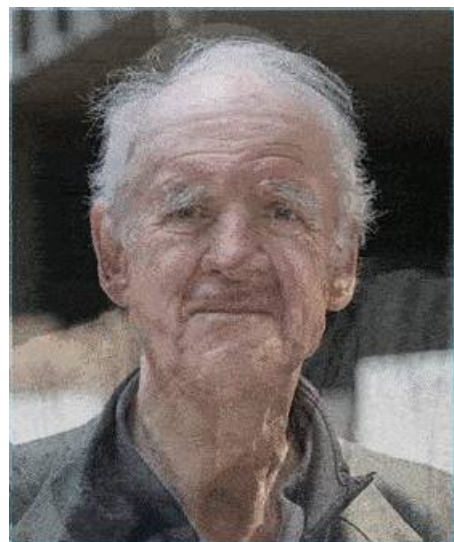
نام*

ایمیل @



0 نظر





با متفکران معاصر

گفت‌وگو

از ولایت تا نظارت؛ گفت‌وگوی منتشر نشده با آیت‌الله منتظری

انسان اگر در لایه اولیه وجودی باشد، فقط ظاهر قرآن را می‌فهمد

احمد خامه‌یار

بازشناسی ماهیت تاریخی بیت‌الاحزان

چرا برخی جوانان در نیجریه به داعش و بوکو حرام می‌پیوندند؟

آیا روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل متوقف خواهد شد؟

سخنگوی سازمان پزشکان جهان تروریستی خواندن حوثی‌ها را اقدامی وحشتناک توصیف کرد

چکیده‌ای از سخنرانی محمدعلی امیرمُجَزّی در انجمن کوردوبا

شکل‌گیری و تحول اسلام در سده‌های آغازین (و جایگاه مسیحایی علی در آن)

مصر و الازهر؛ موقعیت جدید

مفاهیم، موضوع اندیشه جامعه‌شناختی قرار گیرد/ با هم‌سرنوشت‌های خودمان ارتباط...

انتشار یکی از مهمترین منابع تاریخ فلسفه

آیت‌الله جناتی: دلیلی بر عدم جواز مرجعیت زنان وجود ندارد

استاد فلسفه کالج «سنت اولاف»: رسانه های غربی منبع اصلی اسلام هراسی هستند

استاد مطالعات اسلامی دانشگاه میشگان/ دلیل گرایش جوانان مسلمان به افراطی گری

برای تقویت باورهای دینی تقدس تراشی بی معناست

صفحه نخست درباره دین آنلاین ارتباط با دین آنلاین حمایت مالی آرشیو

تمامی حقوق محفوظ و بازنشر مطالب تنها با ذکر منبع مجاز است.